

دكتور اضغر خيل منگل

شهر هامبورگ / آلمان

**« ميگويند كه سياست گر كتر انسان را خراب ميكند. اين درست نيست،**

**گر كترهاي خراب سياست را خراب ميكند.»**

از گفته هاي : يوهانيس راو رئيس جمهور پيشين جمهوري فدرالي المان

**يك نظر کوتاه به مصاحبه محترم سلطان علي كشمند صدر اعظم اسبق افغانستان با شبکه**

**تلويزيوني از لاس انجليس تا كابل**

روز ۴ نوامبر ۲۰۰۶ محترم كشمند مصاحبه را با شبکه تلويزوني از لاس انجليس تا كابل انجام داد كه بعداً در سايت مشعل نيز پخش گرديد.

در اين مصاحبه ايشان با مسایل ديروز و امروز افغانستان و به خصوص دهه هشتاد ميلادي تماس گفته و مفصلاً در باره حوادث ۷ ثور ۱۳۵۷ صحبت نمود.

قبل از اينكه به چند نکته كه از نظر من قابل بحث است مکت صورت گيرد به تمام دوستان و رفقای عزيز اعلام ميدارم كه منظور از اين نوشته به هيچ وجه دفاع از اين يا ان گروه، فرکسيون ، جناح، اين يا ان رهبر حزبي ويا رهبري حزبي نبوده و نيست بلکه فقط براي روشن شدن مسایل كه از طرف محترم كشمند مطرح گرديده است بحث خود را آغاز ميكنم و از تمام انهاي كه صاحب صلاحيت بودند و در حوادث سهم مستقيم داشتند احتراماً تقاضا مي نمايم تا بنا بر وظيفه و رسالت تاريخي كه دارند لا اقل در توضيح صادقانه حوادث ان وقت مسایل را بدون تعصب ، بدون در نظر داشت ارتباط جناحي و گروپي صادقانه متكي بر واقعيت ها بيان كنند و در اين بحث كه كشمند صاحب ان را آغاز کرده است سهم فعال بگيرند، تا باشد كه نسل آينده افغانستان از يك طرف مستقيماً از دست اول از حوادث و جريانات انوقت

مطلع گردند و از طرف دیگر تجارب تلخ و شیرین آن زمان را در نظر گرفته تا جنبش روشنفکری افغانستان بار دیگر اشتباهات را که در گذشته به وقوع پیوسته بود، تکرار ننمایند.

بر میگردیم به اصل موضوع : محترم کشتمند تقریباً به جواب اولین سوال محترم قادری بر گرداننده برنامه فوق تمام مسایل را یکطرفه تفصیل نموده چنین گفتند:

(۱) در باره حوادث پیش از قیام هفت ثور در سال ۱۳۵۷/ ۱۳۵۸ حرفی برای گفتن ندارم، زیرا این کار ما پرچمی ها نبود. و...

(۲) امامن به صراحت میگویم که ما پرچمی ها با کودتا موافق نبودیم. و ...

(۳) روی مسایل اساسی و اصولی دیگر با خلقی ها مخالفت داشتیم. و...

(۴) من در آن زمان یکتن از باقی مانده رهبری پرچمی ها شمرده میشدم، در تا بستان ۱۹۷۸ زندانی شدم. و...

(۵) مسایل امنیتی جز از وظایف من نبوده. (البته منظور بعد از شش جدی ۱۳۵۸ زمانیکه وی به حیث صدراعظم تعیین گردید) میباشد.

(۶) و بلاخره در جواب سوال پیرامون خط دیورند گفتند: من ترجیح میدهم در این باره اظهار نظر نکنم.

قبل از همه باید گفت زمانیکه که محترم کشتمند بعد از دوره دوم صدارت به دلایل معلوم سبکدوش گردید، از تمام مقامات و عضویت از حزب استعفی خویش را طی یک مصاحبه با بی بی سی ابلاغ که در مطبوعات داخلی کشور نیز انعکاس گردید، همفکری شان را با حزب وحدت اسلامی تأیید و از ارتباط تشکیلاتی با حزب مذکور انکار نمود، باز هم یکبار دیگر از نام پرچمی ها در اوضاع و احوال کنونی که ضرورت پیوست مجدد نیروهای ملی ، ترقیخواه و وطنپرست به مثابه ضرورت مبرم مطرح است دو باره نقاب پرچمی بودن را به چهره کشیده اخلاقاً چنین حق را دارد که دیروز را یکبار دیگر به حیث نفاق بین اعضای حزب و روشنفکران مطرح کند؟

محترم کشتمند در آغاز صحبت حوادث سال ۱۳۵۷ را قیام ۷ ثور و در جملات بعدی انرا کودتا مینامد. اینکه این حوادث کودتا بود؟ قیام بود؟ یا انقلاب بود من با ان کاری ندارم. مسأله مهم اینجاست که اگر از نظر کشتمند صاحب کودتا کار خوب نیست و نبود و به گفته خودش با او مخالف بود، ایا کودتای داود خان کودتای خوب بود؟

ایا طرح کودتای بعدی که علیه حکومت خلقی ها باید صورت میگرفت و آقای دگر جنرال نبی عظیمی در کتاب «اردو سیاست» در صفحه ۱۵۸ به ان اعتراف کرده و جناب ایشان نیز بر اساس طرح همان کودتا زندانی گردید و در مطبوعات ان وقت اعترافات کشتمند صاحب نیز انعکاس وسیع یافت کاری خوبی بود؟

ایا کودتا که علیه حکومت داکتر نجیب آله که منجر به ناکامی پلان ۵ فقره سازمان ملل متحد گردید و در بهار سال ۱۳۷۱ از درون و بیرون حزب سازمان دهی و عملی گردید و در نتیجه ان نظام جمهوری افغانستان سقوط نمود، خلی قدرت بمیان آمد و در کشورما بزرگترین تراژیدی قرن آغاز گردید هم خوب بود؟

محترم کشتمند در باره این کودتا و رهبران نظامی و سیاسی ان که باعث بربادی یک نسل یک نظام و در کل یک نهضت ترقیخواه و تحول طلب گردید، یک کلمه را به زبان نمی آورد.

از کشتمند صاحب توقع چنین بود که وی به حیث یکی از مؤوسسین حزب دموکراتیک خلق افغانستان تمام کودتا را محکوم میکرد و با این مسله برخورد دوگانه صورت نمیگرفت. بدین معنی که اگر داود خان کودتا کرد خوب بود و اگر حفیظ الله امین امر کودتا را صادر کرد کاری خوب نبود. مگر محترم کشتمند در نتیجه همان کودتای خلقی ها به حیث وزیر پلان مقرر نگردید؟ و تا زمانی که به حیث و زیر ایفای وظیفه مینمود نه تنها این کودتا نبود بلکه «انقلاب شکوهمند ثور» بود. وبعد از ان زمانیکه که ایشان به حیث صدر اعظم افغانستان بعد از ۶ جدی ۱۳۵۸ تعیین گردید، این «انقلاب ثور» که ادامه همان کودتا بود وارد مرحله جدید تحت نام «مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور» گردید، که بیشتر از هزار بار در بیانات رسمی ایشان به حیث عضو بیروی سیاسی و صدر اعظم نیز از ان با افتخار به مفهوم «انقلاب ثور و مرحله نوین و تکاملی ان» یاد نموده است.

محترم کشتمند صاحب میگوید : ما پرچمی ها با کودتا موافق نبودیم. آیا به عوض ان بهتر نبود اعتراف میکرد که به حیث عضو بیروی سیاسی حزب از کودتا اطلاع نداشت؟ در حالیکه بی اطلاع بودن هیچگاه به معنی مخالفت با ان تلقی شده نمیتواند. از طرف دیگر نه تنها از جناب ایشان بلکه به گفته وی از جناح پرچمی ها هیچگاه چنین سند حزبی و دولتی در مخالفت با کودتا در نشرات دیروزی وقت به نشر سپرده نشده است. و اگر چنین میبود هیچگاه این کودتا خلقی ها به «انقلاب» و بعداً «مرحله نوین و تکاملی ان» مسما نمیگردید. قابل یادآوری است که برخورد نسبتاً اصولی با حوادث ثور ۱۳۵۷ فقط در دومین کنگره حزب صورت گرفت که البته این موضوع بحث ما نیست.

کشتمند صاحب میگوید روی مسایل اساسی و اصولی با خلقی ها مخالفت داشتیم. بهتر بود اگر ایشان این مسایل اساسی و اصولی را یکا یک توضیح و تشریح مینمود و سند رسمی مخالفت خود را نیز که نزد شان حتماً موجود خواهد بود به دسترس مطبوعات قرار میدادند. ولی تا جایکه به اعضای حزب معلوم است، مخالفت نه روی مسایل اساسی و اصولی بوده که ای کاش میبود، بلکه مخالفت بین رهبری حزب بر سر تقسیم قدرت دولتی بوده است که سبب نه تنها بد بختی حزب بلکه مردم و وطن نیز گردید.

حزب که با انتخاب شعار نان، خانه، لباس در بین مردم شهرت خوب کسب کرده بود در نتیجه اشتباهات رهبری و سایر عوامل دیگر از جمله مداخلات چند جانبه و تجا وز خارجی بود که هزاران عضو حزب با مردم یکجا با دریا فت مرمی، کفن و گور بهای بزرگی پرداختند. یکی از عمده ترین اشتباهات رهبری این بود که بعد از تصرف قدرت سیاسی نه تنها برخورد مسؤولانه به تجمع متحدین با الفعل وبا القوه حزب انجام نداد بلکه انها را بیش از پیش از خود دور ساختند. رهبری حزب بعد از تصرف قدرت سیاسی نه تنها خود را بلکه حزب را نیز در دولت مدغم نمود که در نتیجه ان حزب در اجرای وظایف سنتی که یک حزب سیاسی باید انجام میداد ناکام ماند. مخالفت جناحی حزب را بار دیگر دامن زدند و از جانبی هم عقب مانده گی عمومی جامعه، سطح نازل پختگی سیاسی، درک ناقص از جامعه افغانی و اوضاع بین المللی سبب ان گردید که رهبری حزب نتوانست ارزشهای ملی، واقعیتهای عینی و تاریخی کشور را دقیقاً در نظر گیرد. این اشتباهات زمینه را برای برخی از دولت ها و محافل خارجی که مدت ها قبل از حوادث ۷ ثور نسبت به افغانستان نیات نیک نداشتند، مساعد گردانید تا

با استفاده از بهانه های مختلف حملات گوناگون از جمله مداخلة مسلحانه را که اساسات آن در سال های قبل از ۷ ثور ۱۳۵۷ در خارج از کشور ایجاد شده بود تشدید بخشند و وضع را در کشور و منطقه متشنج تر سازد. از جانب دیگر بعد از قیام ۷ ثور و بخصوص بعد از ۶ جدی ۱۳۵۸ جنون وزیر شدن چنان اوج گرفته بود که وزارت خانه ها بخاطر اشخاص به ابتکار رهبری ایجاد میگردید. تقسیم وزارت اطلاعات و کلتور به ۳ کمیته دولتی به سطح وزارت (کمیته دولتی کلتور، کمیته دولتی رادیو تلویزیون و کمیته دولتی طبع و نشر)، تقسیم وزارت ترانسپورت به دو وزارت ترانسپورت زمینی و وزارت هوا نوردی ملکی، تقسیم وزارت انرژی و برق به دو وزارت انرژی و منابع آب، تقسیم وزارت تحصیلات عالی و مسلکی به دو وزارت تحصیلات عالی و تحصیلات حرفوی و مسلکی، تقسیم وزارت معادن و صنایع به دو وزارت معادن و صنایع خفیفه و امسال آن از جمله اقدامات بود که حکومت شما به بسیا رشدت و بدون ضرورت آنرا عملی میساخت.

محترم کشتمند از مخالفت شدید با خلقی ها یاد میکند. امکان دارد مخالفت ایشان با خلقی ها طرح همان کودتا باشد که گرجنرال نبی عظیمی به او اعتراف کرده و میخواهد بگوید که این عمل علیه حفیظ الله امین سازمان دهی شده بود. اگر چنین هم باشد باید به این مسأله توجه نمود که حفیظ الله امین در آن زمان که چند هفته از قیام ۷ ثور سپری نشده بود، هنوز به صورت بالفعل شخص اول قدرت نبوده و کودتا علیه او مفهوم نداشت، بلکه این کودتا و مخالفت صاف و ساده علیه منشی عمومی حزب نور محمد تره کی و در مجموع علیه حاکمیت وقت بود.

ایا مخالفت در داخل حزب که منجر به عمل نظامی و کودتا گردد مجاز است؟ در جای دیگری محترم کشتمند گفتند که بعد از ۶ جدی ۱۳۵۸ زمانی که به حیث صدر اعظم تعیین گردید مسایل امنیتی کشور جز وظایف ایشان نبوده است. مگر جناب کشتمند صاحب در جلسات بیرونی سیاسی که هفته یک بار دایر میگردید و مسایل عمده در آن شرایط منجمله روی مسایل نظامی و امنیتی بحث صورت می گرفت و تصامیم اتخاذ میگردید حضور نداشت؟ ایا وزیران امنیت دولتی، امور داخله و دفاع در چوکات حکومت وی اعضای کابینه نبودند و تحت امر مستقیم ایشان به اجرای امور نمپرداختند؟ آیا کدام شورای وزیران دیگری وجود داشت که این وزیران به آن تعلق داشتند؟ ایا قرارداد های نظامی برای گرفتن اسلحه، وسایل

جنگی و تخنیک محاربه از خارج از طرف حکومت عقد و اجرا نمیگردید؟ آیا جنرال روسی بنام الکساندر که در صفحه ۳۴۰ کتاب خویش تحت نام ( ریشیا په افغانستان کې څه تیریدل) موضوع عملیات نظامی و حادثه که در ولایت ننگرهار رخ داده بود و در دفتر شما روی آن بحث صورت می‌گرفت، مربوط به مسایل امنیتی نمیشود؟ آیا ۱۵۰ نفر خلقی‌ها اعم از رهبری و کدرها در زمان حکومت شما بیشتر از ۹ سال زندانی نبودند؟ و یا زمانیکه در سال ۱۳۶۷ ولایت کنړ تخلیه و منطقه صلح اعلان گردید و تصور می‌گردید که حکومت مؤقت مجاهدین به کنړ انتقال می‌گردد، حکومت شما ابلاغیه را که شخصاً توسط شما قرائت و در وسایل اطلاعات جمعی نشر گردید و با این محتوا صادر نمود که در صورت انتقال حکومت مؤقت مجاهدین به ولایت کنړ آنرا چنان بمبارد مینماید که اثری آن به روی زمین باقی نماند، یک وظیفه نظامی بود یا خیر؟ این اظهارات و دلایل شما میتواند فقط استهزا همه کسانی که مفهوم حکومت را میدانند باعث گردد.

مسأله دیگری که بسیار سوال برانگیز می باشد اظهارات محترم کشتمند پیرامون اینکه ترجیح میدهد در مورد مسأله خط دیورند اظهار نظر نکند، می باشد.

جناب کشتمند صاحب ابراز نظر نکردن در چنین مسله مهم ملی چه منعی دارد؟

ایا از ابراز نظر هراس وجود دارد؟ و یا اینکه از طرف کدام مرجع توصیه و یا دستور صادر گردیده که باید اظهار نظر صورت نگیرد؟ آیا سکوت در برابر چنین یک مسأله ملی رضایت بر قبولی آن تعبیر شده نمیتواند؟ ایا پرچمی‌ها که شما خود را حق داده از نام ایشان حرف میزنید چنین موضعگیری را تأیید مینمایند؟

ایا کشور و مردم که شما ۹ سال به حیث صدر اعظم آن بودید بالای شما حق نداشت تا مداخلات که از طرف کشور همسایه بخاطر بی ثباتی افغانستان همواره صورت میگیرد محکوم مینودید؟ و یکبار دیگر به جهانیان توضیح میگردید که تا زمانیکه بنیادگرایی که یکی از منبع اصلی تروریسم به شمار میرود در پاکستان موجود باشد و علیه آن قاطعانه عمل صورت نگیرد و کشورهای غربی در سیاست خویش با پاکستان تغییر وارد نیاورند، نه تنها مسأله خط دیورند حل نمیگردد بلکه هیچگاه هم در منطقه صلح و ثبات دایمی تأمین شده نمیتواند.

در اخیر باید گفت که نباید دیروز را یکبار دیگر به حیث نفاق بین روشنفکران مطرح کرد و با مسایل مهم تاریخی برخورد سلقه ئی صورت گیرد واذهان مردم و به خصوص جوانان افغانستان را مغشوش نمود. باید اشیا را بنام خود آنها یاد کرد.

تمام جریانات که بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ در افغانستان صورت گرفت صرفاً کار حکومت یکنیم ساله خلقی ها بوده نمیتواند. حکومت که ۹ سال جناب شما کشتمند صاحب در رأس آن قرار داشتید هم از نظر زمانی و هم از نظریاضی تفاوت زیاد با یکنیم سال دارد. نه پرچی ها ، نه خلقی ها و نه مردم افغانستان آنرا فراموش کرده است. باید گفت که تحلیل همه جانبه از گذشته منجمله فعالیت ۲۶ ساله حزب در گذارش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به دومین کنگره حزب که به تاریخ ۶ سرطان ۱۳۶۹ دایر گردید ارایه شده است. بناً چنین تلاشها به جز اینکه فضای نسبتاً مساعد کار مشترک نیروهای ملی و مترقی را مختل میسازد ، در راه مبارزه مشترک ایشان بخاطر استقرار صلح دایمی و عادلانه ، حاکمیت ملی ، ترقی اجتماعی و اعما رمجدد افغانستان از طریق تفاهم بین الافغانی و مصالحه ملی در شرایط جدید ملی و بین المللی راه گشاه نخواهد بود. مردم افغانستان قضاوت خود را در مورد کارنامه های رهبری و رهبران کرده اند و دیگر نمیتوان به اینگو نه تبلیغات بی بنیاد ان ها را فریب داد.

زه چه کوم ومه اوس هم هغه یم

دنگیا ليو دزړه تکیه یم

له هرې خاورې چه موسی جگ شی

د فرعون جنگ ته زه ورسره یم

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)